درس 42

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
ارميا
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (ارميا 32، 33، 36، 37)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: منابع الهي
مرور: مجموعه «منابع الهي» را دو به دو مرور كنيد.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 1:13-14

مقدمه: فصل‌هاي 12 تا 16 روميان بر عمل تأكيد دارد و به مسأله تقدس يا تقديس عملي مي‌پردازد. روميان 12 در بارة وظيفه شخص مسيحي نسبت به بدن و فكر خود و نيز همه نوع روابط تعليم داد. روميان 13 در بارة وظيفه شخص مسيحي در قبال مقامات حكومتي، همسايه، و قلمروهاي تاريكي و نور تعليم مي‌دهد.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 1:13-14 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)
كشف 1. در روميان 1:13-7 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. وظيفه شخص مسيحي در قبال مقامات حكومتي.

الف) مقامات مدني. كتاب‌مقدس قطعاً حاوي تعاليمي است در بارة حكومت‌هاي جهان. در اينجا پولس در بارة مقامات مدني سخن مي‌گويد، زيرا به «برداشتن شمشير» و «پرداخت باج و جزيه» اشاره مي‌كند. اين تعليم بسيار مهم است، زيرا تمام مسيحيان جهان تحت حاكميت حكومتي بسر مي‌برند. اين امر در رساله به روميان نيز بسيار مهم بود، زيرا در كليساي روم، تعداد زيادي از اعضا، يهودي‌زاده بودند. بسياري از يهوديان در روزگار پولس بدنبال فرصتي بودند تا يوغ تابعيت از حكومت روم را از گردن خود بر افكنند. ايشان مايل بودند كه يك بار ديگر از نظر سياسي به استقلال برسند. ايشان مي‌خواستند پادشاه خودشان و مقامات حكومتي خودشان را داشته باشند (يوحنا 6:15؛ 8؛ 33؛ اعمال 1:6؛ 5:36-37). قبلاً در نيمه اول قرن اول ميلادي، در روم اغتشاش‌هاي سياسي روي داده بود. نويسنده‌اي رومي به‌نام «سويتونيوس» نوشت كه امپراطور كلوديوس تمامي يهوديان را در سال 49 ميلادي از روم اخراج نمود، زيرا آشوبي دائمي در ميان يهوديان در اثر تحريك شخصي به‌نام «كِرستوس» روي مي‌داد (ر.ش. اعمال 18:ـ 2). وقتي اين فرمان از جريان افتاد، بسياري از يهوديان به روم بازگشتند. لذا پولس رسول

نوشت که مسیحیان در روم، باید مطیع مقامات حاکم باشند. علت اینکه مسیحیان باید مطیع مقامات حاکم باشند این است که همه مقامات حاکم را خدا خودش بر قرار ساخته است.

ب) هفت مقام حاکم. خدا هفت رابطة اقتدار-تابعیت بر روي زمین بر قرار داشته است (1:13-2).
1- خدا در مسیح بر هر انساني و هر چیزي اقتدار و سلطه دارد (اول قرنتیان 11:3؛ افسسیان 1:20-23؛ کولسیان 1: 18).
2- انسان بر خلقت خدا اقتدار و سلطه دارد، بر زمین و درختان و گیاهان و حیوانات (پیدایش 1: 28؛ 2:15-16؛ مزمور 8: 4-8).
3- مرد بر زن اقتدار و تسلط دارد (پیدایش 3:16؛ افسسیان 5:22-24؛ کولسیان 3:ـ 18؛ اول پطرس 3:1-6)، هم در رابطة ازدواج، و هم در جلسات رسمي کلیسا (اول قرنتیان 11:3ـ؛ 14:33-35؛ اول تیموتاؤس 2:11-14؛ 3:2-5).
4- والدین بر فرزندانشان که هنوز به سن قانوني نرسیده‌اند، اقتدار و سلطه دارند (افسسیان 6:1-3؛ کولسیان 3:20).
5- حکومت یك کشور بر شهروندانش اقتدار و تسلط دارد (رومیان 13:3-7؛ اول پطرس 2:13-17).
6- کارفرما بر کارکنانش اقتدار دارد (افسسیان 6:5-9؛ کولسیان 3:22 تا 4:1؛ اول پطرس 2: 18-23).
7- مشایخ و رهبران کلیسا بر اعضاي کلیساي خود اقتدار دارند (اعمال 20:ـ 28؛ اول تسالونیکیان 5:12؛ عبرانیان 13:17).
این هفت ارتباط اقتدار-تابعیت را خدا برقرار ساخته است و انسان نمي‌تواند آن را تغییر دهد. همه روابطِ اقتدار-تابعیت، بجز اولین آنها، وظایفي خاص و محدود دارند و همچنین اقتداري محدود و معین.

کشف 2ـ در رومیان 13:ـ 8-14 حقیقت مهمي براي من وجود دارد. وظیفه شخص مسیحي در قبال همسایه‌اش.
رومیان 13:ـ 8-14 تعلیم مي‌دهد که وجه مشخصة تقدس یا تقدیس عملي، بیش از هر چیز برخورداري از یك زندگي سرشار از محبت و زندگي کردن در نور مي‌باشد. زندگي سرشار از محبت یعني اینکه هر روزه خود را همچون هدیه و قرباني خوشبو به خدا تقدیم کنیم (افسسیان 5:1-2). زندگي کردن در نور یعني کشف این حقیقت که چه چیزي خداوند را خشنود مي‌سازد، و اعمال بي‌ثمر ظلمت را در معرض دید قرار دهیم، زندگي شفافي داشته باشیم، و ثمراتي شامل نیکویي و عدالت و راستي بیاوریم (افسسیان 5:ـ 8-14). از آنجا که زمان پایان تاریخ بشر و تکمیل نجات مسیحیان بسرعت نزدیك مي‌شود، تقدیس امري است فوري!

گام 3: سؤال
ملاحظه: از این بخش چه چیزي مایلید از گروه بپرسید؟
سعي کنیم همه حقایق موجود در رومیان 13:1-14 را درك کنیم و در مورد مطالبي که درك نمي‌کنیم، سؤال کنیم.
یادداشت: سؤال خود را تا حد امکان روشن طرح کنید. سپس آن را در دفترتان بنویسید.
در میان گذاشتن: (پس از آنکه اعضاي گروه وقتي را به تفکر و یادداشت کردن گذراندند، اجازه دهید ابتدا هر کس نظرات خود را مطرح کند.)
بحث: (سپس چند تا از این سؤالات را انتخاب کنید و بکوشید در بارة آنها در گروه بحث کنید و پاسخشان را بیابید.)
(مطالب ذیل نمونه‌هایي است از سؤالاتي که ممکن است محصلین مطرح کنند؛ همچنین تذکراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1. (13:1-5) وظیفة مسیحیان در قابل مقامات حاکم چیست؟
یادداشتها.

الف) اطاعت و تبعیت از مقامات حاکم بخشي از تقدیس است. تبعیت از مقامات حاکم بخشي از «ارادة نیکوي پسندیدة کامل خدا» است که در رومیان 12:2 تعلیم داده شده است.
در عهدجدید مي‌خوانیم که یهودیان در خصوص حق و حقوق حکومت روم سؤالاتي داشتند (متي 22:16-17؛ مرقس 12:14؛ لوقا 20:21-22). یهودیان تمایل داشتند که به استقلال خود ببالند (یوحنا 8 :ـ 33). در میان ایشان حرکت‌هاي آشوبگرانه وجود داشت (اعملا 5:36-37). در تاریخ عمومي جهان شواهدي هست دال بر ناآرامیهایي در میان یهودیاني که زیر یوغ رومیها قرار داشتند. کلودیوس، امپراطور روم، یهودیان را احتمالاً بخاطر مخالفت یا حتي طغیانشان عملاً از روم اخراج کرد (اعملا 18: 2). در نظر مقامات رومي، مسیحیت یا یهودیت یکي بود، و هر نوع آشوبي که به یهودیان نسبت داده مي‌شد، به مسیحیان نیز منسوب مي‌گردید. این امر موقعیتي را پدید آورد که ضروري مي‌ساخت تا مسیحیان از هر

گونه انديشه يا عمل انقلابي و نيز نااطاعتي از حاكماني كه در مقامي برحق قرار دارند، بپرهيزند. اين تعليم همچنين بر ضد هرگونه تصور انحرافي از آزادي در ميان مسيحيان بود، خاصه با توجه به اين حقيقت كه همه مسيحيان بـه پادشـاهي و خداونـدي عيسـي مسـيح ايمـان داشـتند. بـا توجـه بـه اين واقعيت‌هـاي سياسي، پولس تعليم مي‌دهد كه رابطهٔ فردِ مسيحي با مقامات حاكم، بخشي از تقديس او مي‌باشد!

ب) اطاعت و تبعيت از مقامات حاكم بدون مشخصات نيست.
1) از يك سو، عهدجديد وظايف مسيحيان را در قبـال مقامـات حـاكم تعليم مي‌دهـد. اول تيموتـاؤس 2:1 تعليم مي‌دهد كه مسيحيان بايد براي تمـام صاحب‌منصـبان دعـا كننـد. تيطس 3:1 تعليم مي‌دهـد كـه مسيحيان بايد تابع حاكمان و مقامات باشند و از ايشان اطاعت كـرده، بـا حـالتي آرام و بـدور از بـدگويي، سرگرم اعمال نيك باشند.
2) از سوي ديگر، مقامات حاكم مسيحيان را اغلب بخاطر اعلام انجيل و كمك به فقيران و درماندگان و ستمكشان مورد آزار قرار مي‌دادند.
بنابراين، كتاب‌مقدس مي‌بايست خط روشني بكشد ميان نااطاعتي از مقامات حكومتي (كاري كه بايد بخاطر وفاداري به مسيح انجام داد)، و اطاعت از مقامات حكومتي (كه همان وفاداري بـه مسـيح ايجـاب مي‌كـرد). نااطـاعتي در اعمـال 4:19-20 و 5:29 ذكـر شـده، و اطـاعت در روميـان 13:1-7! به‌عنـوان قاعدهٔ كلي، همه مسيحيان بايد در هر چـيزي كـه بـر خلاف تعليم كتاب‌مقـدس نيسـت، از مقامـات حـاكم اطاعت كنند. اما هر گاه مقامات حاكم از اقتدار خود پـا فراتـر بگذارنـد و از مسـيحيان انجـام كارهـايي را بخواهند كه از سوي خدا منع شده، يا مسيحيان را از انجام كارهايي منع كنند كه از سوي خـدا حكم شـده، در آنصورت، مسيحيان بايد بااحترام از اطاعت از مقامات حاكم سر بـاز زننـد. هـر گـاه ميـان خواسـتهاي انسان و احكام خدا منافاتي باشد، در آنصورت گفتهٔ پطرس رسول در اعمال 5:29 بايـد حـاكم شـود كـه فرمود: «خدا را مي‌بايد بيشتر از انسان اطاعت نمود.»

سؤال 2. (13:6-7). وظيفهٔ مسيحيان در قبال ماليات و عوارض دولت چيست؟
يادداشتها.

الف) مسيحيان بايد به دولت ماليات بپردازند. از آنجا كه مقامات حاكم تمام وقت خود را به وظايف خود اختصاص مي‌دهند، بايد از نظر مالي از ايشان حمايت كـرد. ايشـان نـيز بايـد بخورنـد و زنـدگي كننـد. مقامات حاكم با تأمين تحصيلات كودكان و بزرگسالان، با حفظ عدالت از طريق دادگاهها، و با شهرسازي و احداث خيابانها و پاركها و غيره، به نفع مردمِ جامعه كار مي‌كنند. مقامات حـاكم بايـد بـا جنـايت و فسـاد مبارزه كنند، و بدكارانِ جامعه را به مجازات برسانند، و نظم و قـانون را در جامعـه حفـظ كننـد. مقامـات حاكم براي انجام تمامي اين كارهاي مفيد، نياز به پول دارند. از اينرو است كه خدا به همه مردم، از جمله مسيحيان، امر مي‌فرمايد تا ماليات و عـوارض خـود را بـه دولت بپردازنـد. ماليـات بـه افـراد و بـه امـوال به‌دست آمده يا تحت تملك تعلق مي‌گيرد (لوقا 20:22-25) و عوارض به اموال وارداتي يا صادراتي يعني به معاملات. پرداخت ماليات و عوارض، قانوني ستمگرانه از سوي دولت نيست، بلكه شراكتي ضروري و بجا از سوي اتباع دولت براي حمايت از آن مي‌باشد.

ب) مسيحيان بايد به حكومت احترام نشان دهند. مسيحيان مؤظفند كه نه فقط به مقامات حاكم ماليات و عوارض بپردازند، بلكه بايد آنان را احترام و اكرام نماينـد. مسـيحيان بايـد همـه مـردم را احـترام كنند، و قطعاً آناني را كه صاحب منصب مي‌باشند. مسيحيان بايـد مقامـات حـاكم را وقـتي وظايفشـان را به‌نحو خوبي انجام مي‌دهند احترام نمايند. اما نه فقط شـهروندان موظـف بـه حمـايت و احـترام و تكـريم مقامات حاكم مي‌باشند، بلكه مقامات حاكم نيز وظيفه دارند وظايف خود را طبق احكام و معيارهاي خـدا به‌انجام رسانند. مقامات حاكم داراي قدرت و حق مطلق نيستند، چرا كه وظايف و اقتدار خـود را از خـدا دريافت داشته‌اند. بنابراين، براي نحوهٔ انجام وظايف خود، به خدا پاسخگو مي‌باشند. در روز داوري نهـايي، مقامات حاكم نيز بايد در خصوص نحوهٔ اجراي وظايفشان، به خدا حساب پس دهند. در روز داوري نهايي، همه مردم بايد در مورد پرداخت يا عدم پرداخت ماليات و عوارض و نيز در خصوص احترام يا عدم احترام به مقامات حاكم، حساب پس دهند.

سؤال 3. (13:6-7). معني كلمهٔ «شريعت» در روميان چيست؟
يادداشتها.

الف) بخشهاي «شريعت». پولس در باره شريعت تعاليم زيادي داده است. قابل ذكر است كه پولس كلمهٔ «شريعت» را در معاني متفاوتي به‌كار مي‌برد. بطور كلي، شـريعت خـدا را مي‌تـوان بـه سـه بخش تقسيم كرد.
1) شريعت اخلاقي. اقتضاهاي خدا براي زندگي، در احكام اخلاقي خدا آمده است. اين احكام شـامل ده فرمان و همه احكام اخلاقي ديگـر در كتاب‌مقـدس مي‌باشـد. اين احكـام هنـوز نـيز در دوره عهدجديـد معتبر است.
2) شريعت مناسك. در دوره عهدعتيق، اقتضـاهاي خـدا بـراي تقـرب بـه او و پرسـتش او، در احكـام مربوط به مناسك (يا احكام آييني) ذكر شده بود. اين احكام شامل احترام به اشخاص مقـدس (كاهنـان و

لاويها)، مكان‌هاي مقدس (خيمه و معبد)، اوقات و زمان‌هاي مقدس (روز سَبَّت و اعياد مذهبي)، و اعمال مقدس (قربانيها، ختنه، خوراكهاي حلال، نخست‌زادگي، نوبر محصول، ده‌يك، و غيره) مي‌شد. احكام مربوط به مناسك به تحقق رسيدند و منسوخ شدند (متي 5:17؛ افسسيان 2:15). آنها را نبايد مجدداً وارد كليسا ساخت.

3) شريعت مدني. در دوره عهدعتيق، اقتضاهاي خدا براي ملت خداسالار اسرائيل، در احكام اجتماعي (يا احكام مدني) ذكر شده بود. از آنجا كه ملت خداسالار اسرائيل از سوي ملكوت (حكومت) خدا در ميان هر ملتي بر روي زمين جايگزين شد، احكام مدني اسرائيل ديگر قابل اجرا نيست و اصول ملكوت خدا كه در متي 5-7 و مثل‌هاي عيسي تعليم داده شد، جايگزين آنها شده است.

ب) معاني مختلف «شريعت».

1) شريعت شرط مطلق خدا براي عادل‌شمردگي است. شريعت اقتضا و شرط مطلق خدا براي عادل‌شمردگي (نجات) و تقديس مي‌باشد. از آنجا كه خدا 100% عادل و 100% مقدس است، طالب آن است كه همه انسانها نيز 100% عادل و مقدس زندگي كنند و لازم مي‌داند كه هر تجاوزي 100% داوري و مجازات شود. شريعت خدا بر تمام انسانها در تمام دنيا، در دل و وجدانشان مكشوف شده است، و ايشان مي‌دانند كه تجاوز از اين احكام به‌معني مرگ است (2:14-15؛ 1:32). همه مردم بر اساس كارهايشان در پرتو آنچه كه از شريعت خدا مي‌دانند، مورد داوري قرار خواهند گرفت (2:12). هر فرد بشري در ساحَت و محدوده‌اي زندگي مي‌كند كه شريعت خدا در آن عمل مي‌كند و معنا و مفهوم مي‌يابد (3:19-20). شريعت همه انسانها را محكوم به خطا مي‌سازد، عذرهايشان را ساكت مي‌كند، ايشان را نسبت به خدا پاسخگو مي‌سازد، و نمي‌تواند آنان را عادل بشمارد يا نجات بخشد.

2) شريعت يعني كتاب‌هاي عهدعتيق. شريعت همان كتاب عهدعتيق است، زيرا شامل مكاشفه خاص خدا، سخنان و كارهاي او، و اراده و اقتضاهاي اوست. قبلاً يهوديان، و نه امت‌ها (ملل غيريهود) مكاشفة خاص را از خدا دريافت داشته بودند (2:12). شريعت كه همان كتاب‌هاي عهدعتيق باشد، در همان زمان نيز آشكار ساخته بود كه عدالت خدا حاصل شده است، اما نه با اعمال، بلكه با ايمان (3:21-22؛ 3:4-8). امروز، عهدعتيق و عهدجديد به‌يكسان در دسترس يهوديان و غيريهوديان قرار دارد.

3) شريعت شرط مطلق خدا براي تقديس مي‌باشد. كلمة شريعت همچنين در مورد شريعت (يا احكام) اخلاقي يا ده فرمان به‌كار رفته است و در اين معنا، داراي دو نقش مي‌باشد. نخستين نقش شريعت يا احكام اخلاقي اين است كه گناه را در طبيعت گناه‌آلود انسان فعال مي‌سازد (7:8-9). بدون شريعت اخلاقي، گناهي كه در طبيعت گناه‌آلود انسان ساكن است، مرده يا غيرفعال مي‌باشد. اما وقتي كه انسان شريعت اخلاقي يا ده فرمان را آگاهان مورد ملاحظه قرار مي‌دهد (يعني همان پديده‌اي را كه آشكار مي‌سازد چه چيزي در نظر خدا درست است و چه چيزي نادرست)، گناهي كه در طبيعت گناه‌آلود او ساكن است بيدار و فعال مي‌شود. اين امر معمولاً درست پيش از بازگشت شخص بسوي مسيح، در طول آن، و پس از آن، اتفاق مي‌افتد. نقش دوم شريعتِ اخلاقي اين است كه ده فرمان به مسيحيان تعليم مي‌دهد كه چگونه خداپسندانه زندگي كنند، يعني چگونه زندگي‌اي سرشار از محبت داشته باشند (13: 8-10).

سؤال 4. (13: 8-10) وظيفه فرد مسيحي در قبال همسايه‌اش چيست؟

يادداشتها. روميان 13:ـ 8 مي‌فرمايد: «مديون احدي به چيزي مشويد جز به محبت نمودن با يكديگر، زيرا كسي كه ديگري را محبت نمايد، شريعت را بجا آورده باشد.» در اينجا تأكيد بر بدهي مالي نيست، بلكه بر تعهد هر مسيحي به نشان دادن محبت به همسايه‌اش مي‌باشد. اين آيه تعليم مي‌دهد كه محبت به همسايهٔ خود نيز بخشي از تقديس است.

الف) محبت به همسايه وظيفه دائمي مسيحيان است. «محبت» قرضي نيست كه مسيحيان هنوز نپرداخته باشند. محبت همچنين قرضي بي‌پايان نيست، قرضي كه نتوان هيچگاه به‌تمامي پرداخت. مقصود پولس فقط اين است كه به مسيحيان يادآوري نمايد كه «محبت وظيفه‌اي است دائمي».

ب) محبت كردن به همسايه، تحقق بخشيدن به شريعت است. «كسي كه ديگري را محبت نمايد، شريعت را بجا آورده باشد.» در اين آيه، پولس كلمه «شريعت» را در معناي احكام اخلاقي به‌كار مي‌برد، احكامي كه در ده فرمان خلاصه شده است. در اين آيه، چهار فرمان از ده فرمان را نقل قول مي‌كند. اين بدان معناست كه ده فرمان براي مسيحيان بطور دائم لازم‌الاجرا است. آنها نمونه‌هايي است از آنچه كه محبت واقعاً مي‌تواند باشد. ده فرمان به مسيحيان تعليم مي‌دهد كه چگونه در زندگي خود خدا را خشنود سازند، يعني زندگي‌اي سرشار از محبت داشته باشند. تكميل شريعت يعني اينكه بدون محبت شريعت را مطلقاً نمي‌توان تحقق بخشيد! ده فرمان را نمي‌توان بدون محبت بجا آورد! فقط به‌واسطة محبت است كه مسيحيان مي‌توانند اقتضاهاي خدا را كه در احكامش مكشوف شده، به‌عمل آورند.

ج) محبت به همسايه يعني اينكه در حق او گناه نكنيم. اكثر احكام ده فرمان بصورت منفي بيان شده است: «زنا مكن»، «قتل مكن»، «دزدي مكن»، «طمع مورز». اما حكم مربوط به محبت كردن بصورت مثبت بيان شده است: «همسايه خود را محبت نما». بدينسان، محبت كردن هم جنبه منفي دارد و هم

جنبه مثبت: محبت را مي‌توان با انجام ندادن برخي كارها و انجام دادن بعضي كارهاي ديگر نشان داد. عهدعتيق بيشتر بر كارهايي كه ايمانداران نمي‌بايست انجام دهند، تأكيد مي‌گذارد، در حاليكه عهدجديد بيشتر بر كارهاي كه ايمانداران بايد انجام دهند تأكيد مي‌گذارد!
محبت هيچگاه واقعيت گناه را ناديده نمي‌گيرد! فرد مسيحي نمي‌تواند عمداً به گناه كردن ادامه دهد و در عين حال هنوز هم محبت بكند. اول تسالونيكيان 5:22 مي‌فرمايد كه محبت واقعي مسيحي «از هر نوع بدي احتراز مي‌كند». روميان 13:10 مي‌فرمايد كه محبت واقعي «به همسايه خود بدي نمي‌كند.» محبت واقعي سبب نمي‌شود كه همسايهٔ خود را در هيچ نوع فساد جنسي درگير سازيم. محبت واقعي هيچ جنبه‌اي از زندگي همسايهٔ فرد را تباه نمي‌سازد. محبت واقعي هيچيك از اموال همسايه خود را نمي‌دزدد. و محبت واقعي هيچگاه به اين فكر نمي‌افتد يا آرزو نمي‌كند كه چيزي از متعلقات همسايهٔ خود را داشته باشد يا آن را بگيرد. به اين دليل است كه ده فرمان در حالت منفي بيان شده چرا كه هيچگاه واقعيت گناه را ناديده نمي‌گيرد. محبت در اول قرنتيان 13:4-6 نيز در قالب عبارات منفي بيان شده، زيرا هيچگاه واقعيت گناه را ناديده نمي‌گيرد!

د) محبت به همسايه به اين معني است كه در حق او كارهاي مثبت انجام دهيم. «همسايه خود را چون خود محبت نما» يك دستور است كه با حالت مثبت بيان شده است. محبت نه فقط از امور منفي همچون گناه مي‌پرهيزد، بلكه همچنين اين فرمان را فعالانه به سمت مخالف چرخانده، تا كارهاي مثبت انجام دهد! براي مثال، محبت باعث مي‌شود كه شخص فعالانه همسايهٔ خود را از هر گونه فساد جنسي محفوظ نگاه دارد. همچنين محبت سبب مي‌شود كه زندگي همسايه خود را از نظر فيزيكي، احساسي، اجتماعي، عقلاني، و روحاني اعتلا بخشيم. محبت فعالانه به اموال همسايه خود احترام گذارده، آن را حفظ مي‌نمايد. و محبت فعالانه از آنچه همسايه‌اش مي‌كند يا دارد، شادي مي‌كند و آنها را ارج مي‌نهد. محبت نه فقط به همسايه خود صدمه نمي‌رساند، بلكه فعالانه هر نوع كار نيك در حق او انجام مي‌دهد.

سؤال 5. (13:11-14). وظيفه فرد مسيحي در قبال قلمروهاي تاريكي و نور چيست؟
يادداشتها.

الف) مسيحيان موظفند زماني را كه در آن زندگي مي‌كنند، بشناسند. روميان 13:11 بطور تحت‌اللفظي مي‌فرمايد: «وقت را مي‌دانيد». كلمه «وقت» اشاره دارد به زمان حال در پرتو رويدادهاي زمان آخر. وقتي به زمان حال مي‌نگريم، بايد بدانيم كه دارد باشتاب بسوي بازگشت مسيح، و داوري نهايي، و احيا و نو شدن همه چيز بر روي زمين مي‌رود. روميان 13:12 مي‌فرمايد: «شب منقضي شد و روز نزديك آمد.» «روز» كه فرا رسيدنش نزديك است، اشاره‌اي است به روز داوري.

ب) مسيحيان موظفند هر چه را كه مرتبط به تاريكي است از تن به در كنند، و هر چيزي را كه مرتبط به نور است، بر تن كنند. مطابق كتاب‌مقدس، «زمان حال» كه پيش از «عصر آيندهٔ» بازگشت مسيح قرار دارد، زماني است شرارت‌بار. بنابراين، مسيحيان بايد به زمان حال در پرتو عصر آينده بنگرند و زندگي مقدسي داشته باشند. روميان 13:12 مي‌فرمايد: «پس اعمال تاريكي را بيرون كرده، اسلحه نور را بپوشيم.» اعتقاد مسيحيان به بازگشت عيسي مسيح سبب مي‌شود كه ايشان مايل به رشد در تقديس گردند. «عيسي مسيح خداوند را بپوشيد» در جاي ديگر «پوشيدن انسانيت تازه» (افسسيان 4:24) خوانده شده است. لذا ما مسيحيان بايد «بي‌ديني و شهوات دنيوي را ترك كرده، با خرداندیشي و عدالت و دينداري در اين جهان زيست كنيم، و آن اميد مبارك و تجلي جلال خداي عظيم و نجات‌دهنده خود ما عيسي مسيح را انتظار كشيم» (تيطس 2:12-13).

گام 4: كاربرد
ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي است كه مسيحيان مي‌توانند امروز آن را به‌كار ببرند؟
در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميان 13:1-14 فهرستي از كاربردهاي احتمالي تهيه كنيم.
ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟
يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيد كاربرد شخصي‌تان را با ديگران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشيد كه در گروههاي مختلف، افراد ممكن است حقايق متفاوتي را براي كاربرد شخصي انتخاب كنند، يا حتي كاربردهاي متفاوتي را از يك حقيقت استخراج كنند. ذيلاً فهرستي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
- 13:1؛ خود را مطيع هر هفت رابطه اقتدار-تابعيت مذكور در كتاب‌مقدس نماييد.
- 13:1-2؛ قدرت‌هاي شرارت‌باري وجود دارد كه خدا بر قرار نساخته، لذا مسيحيان نبايد مطيع آنان گردند. خدا اجازه مي‌دهد و تحمل مي‌كند كه ايشان بر برخي از مردم سلطه داشته باشند، ولي سرانجام نابودشان خواهد ساخت. براي مثال، شيطان بر تمام دنياي شرير سلطه دارد، يعني دنيايي كه از خدا و

مسيح و قومش نفرت دارد و با آنان مخالفت مي‌كند (اول يوحنا 5:19؛ يوحنا 12:31؛ 16-17:14). نمونه‌اي ديگر، آن دو وحش است. وحشي كه از دريا سر بر مي‌آورَد، مظهر حكومت‌هاي ضدمسيحي شيطان است و وحشي كه از زمين بر مي‌آيد، مظهر مذاهب و فلسفه‌هاي ضدمسيحي شيطان است (مكاشفه 13؛ 19:19-20).

- 13:3؛ از افرادي كه در مناصب قدرت هستند، نترسيد. اگر مي‌خواهيد از ترس آزاد باشيد، آنچه را كه در نظر حكومت و خدا درست است، انجام دهيد.

- 13:4؛ در بعضي از شرايط، حكومت حق دارد از شمشير استفاده كند، يعني مجازات مرگ را اجرا كند يا توسط جنگ از كشور دفاع كند. بااينحال، علت استفاده از شمشير نبايد بوالهوسانه و خودسرانه باشد و هيچگاه نبايد از كلام خدا تجاوز كند.

13:6-7؛ ماليات و عوارض خود را به دولت بپردازيد. به آناني كه در مقامات دولتي هستند و به هر صاحب‌منصبي احترام نشان دهيد.

- 13: 8؛ در هر شرايط از زندگي‌تان، موظفيد كه به همسايه خود محبت كنيد، يعني به هر كسي كه خدا سر راهتان قرار مي‌دهد.

13:9؛ همواره همسايه خود را از هر گونه فساد جنسي محفوظ نگاه داريد. و رفاه فيزيكي و احساسي و اجتماعي و عقلاني و روحاني او را اعتلا بخشيد.

- 13:9؛ همواره اموال همسايه خود را محفوظ داريد. فعالانه به اموال و موفقيت‌هاي او ارج بگذاريد.

- 13:10؛ هيچگاه به همسايه خود صدمه نزنيد. همواره نسبت به او كارهاي نيك و پرمحبت انجام دهيد.

- 13:11؛ هر روزه هشيار باشيد، زيرا بازگشت مسيح بسرعت نزديك مي‌شود.

- 13:12-13؛ از عياشي‌ها و مجالس ميگساري، فساد جنسي و هرزگي، و مناقشه و حسادت بپرهيزيد.

- 13:14؛ مسيح و عدالت و قدوسيتي را كه او براي شما فراهم آورده، بر تن كنيد. هيچگاه به مسائلي كه باعث ارضاي هر نوع ميل متعلق به طبيعت گناه‌آلود گذشته مي‌شود، حتي فكر هم نكنيد.

كاربرد شخصي

- من در مقام يك مسيحي، مي‌خواهم در هر چيز كه بروشني مخالف با تعاليم كتاب‌مقدس نيست، مطيع مقامات حاكم باشم. اين همچنين به اين معناست كه متعهد به پرداخت ماليات و احترام به رهبران حكومتي مي‌گردم.

- ده فرمان براي من اهميت بسيار دارد زيرا از طريق آن پي مي‌برم كه خدا مي‌خواهد چگونه فعالانه همسايه خود را محبت كنم. نه فقط مي‌خواهم در حق همسايه‌ام گناه نكنم، بلكه مي‌خواهم فعالانه آن كاري را انجام دهم كه براي همسايه‌ام بهترين است. مي‌خواهم به ياد داشته باشم كه محبت يعني اينكه هيچگاه در حق همسايه‌ام گناه نكنم، و هميشه آنچه را كه براي او خوب است، انجام دهم.

گام 5: دعا

دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 1:13-14 به ما آموخته است، دعا كنيم.

(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايد، در دعا واكنش نشان دهيد. تمرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به ياد داشته باشيد كه افراد در گروههاي مختلف، در بارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

به دعا كردن در گروههاي دو نفري يا سه نفري ادامه دهيد. براي يكديگر و براي مردم جهان دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 1:13-14» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.

- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از حزقيال 2ـ 18ـ 33ـ 34 را بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.

- به خاطر سپردن: روميان 12:16 را مورد تعمق قرار داده حفظ كنيد. هر روزه 5 آيه حفظيِ آخر را مرور كنيد.

- آمادگي: مَثل قنطارها در متي 25:14-30. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.

- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).

- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.